

تبیین ارتباط «حقوق شهروندی» و «حقوق معماری و شهرسازی» با تاکید بر «نظریه حق به شهر»

قدرت زارع اندریان- دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[Zareghodrat55@yahoo.com](mailto:Zareghodrat55@yahoo.com)

حسین ذبیحی<sup>۱</sup> - دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[hosseinzabihi@hotmail.com](mailto:hosseinzabihi@hotmail.com)

محمد ضیمران- گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[Kardar1976@yahoo.com](mailto:Kardar1976@yahoo.com)

### چکیده

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی است که یک شهروند به دلیل سکونت در یک کشور از آن بر کوردار است. حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط متقابل شهروندان و ادارات شهر را در امر محلی و شهری تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداریها و سایر نهادهای شهری را تبیین مینماید؛ لکن امکروزه آگاهی شهروندان از حقوق مکتسبه از یکسو و آگاهی برنامه‌ریزان و معماران از حقوق شهروندان، از مولفه های تاثیرگذار بر فرآیند برنامه‌ریزی معماری شهری است که در این مقاله این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. نظریات معاصر در باب حقوق شهری منجر به چارچوب نظامی نوین بر پایه مفهوم «حق بر شهر» درباره زندگی شهری شده‌اند؛ چنانچه بکه صورت کلی میتوان در چارچوب مفهوم کلی «حق بر شهر»، صورتبندی زیر را از مجموعه ایکن حقوک دربارۀ حقوک متصوره شهروندی به حقوق معماری و شهرسازی ارائه داد: ۱. حق تخصیص؛ ۲. حق مشارکت؛ ۳. حق مرکزیت؛ ۴. حق سکونت؛ ۵. حق بر زیستگاه؛ ۶. حق بر فردیت بخشی در اجتماعی سازی. در پایان نیز ارتباط این مولفکها و شاخص های آنها با میزان سنخیت و ارتباط با حقوق معماری و شهرسازی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: نظریه های حقوق شهروندی، حقوق شهروندی، نظام شهرسازی.

### مقدمه

شهرها کاملترین اشکال ممکن آبادی انسانی اند. آنها هم چون مشعلی فروزان انوار خود را فراراه انسانیت و تمدن پاشیده اند. آنها هم چون موجشکن بر پهنه گیتی ایستاده، امواج تعدی را در هم شکسته و بدین ترتیب به حیطه امنیت بدل گردیده اند. آنها آدمی را در وصول به نقطه اعلی فرهنگ یاری رسانیده اند. آنها در پناه دیوارهای ود محیطی مناسب را برای پرورش اصلیتیرین دستاوردهای علمی و هنری فراهم آورده اند. آنها میدان آوری بوده اند که به پیروزی

---

<sup>۱</sup> این مقاله از رساله دکتری قدرت زارع اندریان با عنوان «تبیین ابعاد حقوق شهروندی در معماری شهری ایران» به راهنمایی دکتر ذبیحی و مشاوره دکتر کاردار استخراج شده است که مراتب سپاس خویش را از معاونت پژوهشی دانشگاه اعلام میدارد.

آزادی انجامیده است (یاراحمدی، ۱۳۳۱، ص ۱۴). از سویی دیگر، شهروندی وضعیت بهره مندی از حقوق و داشتن تکلیف به عنوان ساکن یک شهر یا عضو یک کشور و توصیفی از وضعیت سیاسی فرد است. شهروند بودن یعنی عضو یک واحد سیاسی مثل دولت مدرن یا یک دولت-شهر بودن. شهروندی شأن شخص را در برابر دستگاه گسترده سیاسی مشخص می کند.<sup>۲</sup> شهروندی همواره ۳ وجه دارد: ۱. شخص، ۲. بستر نهادی جامعه سیاسی و ۳. چگونگی مناسبات شخص با این جامعه سیاسی؛ تعلق شخص به جامعه سیاسی هم جنبه عاطفی دارد (حس تعلق) و هم جنبه حقوقی (حق مشارکت در تصمیم سازی). همچنین در عصر حاضر شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگها، معانی مختلف را در جامعه شکل می دهد. تئوری های فرهنگ شهروندی متکی بر این است که «شهروندی» یک مفهوم پویا است که ناشی از بستر سازی «اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی، حقوقی و سیاسی» در شهر شکل می گیرد. نظریات مختلفی در رابطه با حقوق شهروندی مطرح شده اند که ماهیت آنها از دیدگاه مختلف متفاوت است که معروفترین آنها «نظریه حق به شهر» است: مفهوم «حق بر شهر» (*Right to the city*)، مفهومی است که توسط «هنری لوفور» تبیین شده است و در دهه های اخیر به عنوان ایده آل و نماد حقوق انسانی در شهرها و در میان جوامع شهری درآمده است.<sup>۳</sup> این مفهوم به طور عمده در رابطه با تبیین چارچوب «برابری»، در مباحث مربوط به مطالعات شهری و علوم اجتماعی به کار می رود. در کتاب *The Urban Revolution*، لوفور به این امر می پردازد که مهمترین معضل زندگی شهری مدرن، انفعال بیش از اندازه مردم و کمبود مشارکت مردمی است که به طور مستقیم تحت تأثیر پروژهها و استراتژیهای شهری هستند. از طرفی نیز توسط پروسه صنعتی شدن مورد حمله قرار گرفته است که باعث شکل گیری مناطق محروم، مناطق مسکونی نامطلوب، گتوهای شهری فقیرنشین، عدم انسجام جمعیتی، و اجتماع های منقطع است. سوال اصلی در این است چه ارتباط بین حقوق شهرسازی و معماری مولفه های متصوره با حقوق شهروندی وجود دارد و دامنه تعامل و ارتباط آنها با یکدیگر

---

<sup>۲</sup> اهمیت حقوق شهروندی به آن درجه است که در سند چشمانداز ۱۴۴۴ نیز تاکید شده که جامعه در افق ۳۴ ساله باید به سوی جامعهای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی حرکت کند و همچنین بر مردمسالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی تاکید شده است؛ به طوری که هر فرد ایرانی در سال ۱۴۴۴ باید از رفاه ملی، امنیت ملی و تولید ملی بر ودرار باشد. این در حالی است که موضوع حقوق شهروندی در سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه نیز که دیماه ۱۳۹۳ توسط رهبر انقلاب به رئیسجمهور ابلاغ شد، مورد تاکید قرار گرفته است.

<sup>۳</sup> برخی از منابع که در این مقاله در این رابطه مورد استفاده قرار گرفته اند، عبارتند از :

The right to the city' revisited: Assessing urban rights e The case of Arab Cities in Israel, Yosef Jabareen

European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City

Harvey, The Right to the City, NLR 53, September-October 2008

Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant , Mark Purce

چگونه است؟ در این مقاله تلاش شده است تا این ارتباط و بایسته ها و وابسته های مفهومی آن مورد تدقیق قرار گرفته و شرایط برهمکنش آنها تبیین گردد.

### پیشینه تحقیق

حقوق شهروندی بر ابتدائیت‌ترین و اساسی‌ترین حقوق شهروندان دلالت دارد و در این مفهوم مقید به مرزهای جغرافیایی یک کشور می‌باشد و نسبت نزدیکی با مقوله تابعیت دارد و کسانی را که در شمول این تابعیت قرار نگرفته باشند را در بر نمی‌گیرد. در واقع حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی است که یک شهروند به دلیل سکونت در یک کشور از آن بر‌ورددار است. یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیتهایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیشبینی و تدوین شده‌است. همچنین در حوزه معماری و حقوق آن موارد زیر نیز موردنظر بوده است :

۱. حق داشتن مالکیت معنوی بر ایده ها و آثار معماری؛ در بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، قوانینی در این باره به تصویب و اجرا رسیده است.

۲. ارتباط بین مناطق شهری و روستایی در مواردی چون استفاده از زمین، پایداری و خدمات<sup>۴</sup>

۳. حق شهروندان در تأمین نیازهای اولیه و پایه آنها در آثار معماری از نظر استحکام کیفیت و کارایی ؛<sup>۵</sup>

۴. معماری با توجه اص به اقشار پایین دست، فقرا و بی خانمان ها<sup>۶</sup>

۵. حقوق شهروندان در رابطه با حفظ میراث معماری<sup>۷</sup>

---

<sup>۴</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته اند:

Government Policy on Architecture 2009 – 2015-IRELAND

Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.

Architecture and sustainability: Declaration and policy of the Architects council of Europe

<sup>۵</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

Handbook of Human Rights Edited by Thomas Cushman

Graeme Bristol, MAIBC, MRAIC Centre for Architecture & Human Rights

<sup>۶</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است:

Bringigng Human Rughts to Architectural Education, By Graeme Bristol Lecturer, King Mongkut's

University of Technology Thonburi, Bangkok

Street homelessness and the architecture of citizenship, Martin Whiteford, Bournemouth

<sup>۷</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

A citizens guide to protecting historic places: local preservation ordinances, State of Louisiana,

۶. الزامات توجه و حفظ میراث و آثار معماری گذشته؛ لایه های مختلفی از زمان باعث شکل گیری حسی از مکان می شوند و به همین دلیل حفظ میراث معماری اهمیت می یابد. همچنین آثار معماری باعث شکل گیری نوعی هویت فرهنگی ملی و منطقه ای می شوند و برای اقتصاد نیز میتوانند مفید باشند به همین دلیل شهروندان حق این را دارند که مقامات و سازمانها در راستای حفظ این آثار راهکار ارائه دهند. شهروندان حق این را دارند که برنامه ریزی صحیح برای شهر آنها تدارک دیده شود. در همین راستا مقامات و مسئولین شهرداری باید در راستای حفظ میراث شهری هنری و معماری شهرها قدم بردارند و برنامه های کاملی برای بازسازی و باز استفاده از بناها تدارک ببینند. آیین نامه های حفظ آثار تاریخی قوانین محلی هستند که طبق آنها مالکان آثار تاریخی خصوصی از نابودی آنها و یا ایجاد تغییرات اساسی در آنها بدون هماهنگی با سازمانهای دولتی مرتبط منع شده اند.

۷. معماری و تأثیرات آن بر محیط زیست همگانی<sup>۸</sup>

۸. حق جامعه معماری در مشارکت و ارتباط با نهادهای قانون گذار و مجری قانون<sup>۹</sup>؛ به طور کلی قوانین مربوط به ساخت و ساز را می توان از چهار منظر عمده نگرینست و تحلیل کرد که به فراخور هر کدام از این حوزه های کلی، میتوان معیارهایی را در ارتباط با حقوق شهروندی (فرد و معمار) نیز در نظر گرفت: کفایت، اجرایی بودن، قطعیت قانونی و وفق پذیری آن .

---

The Finnish architectural policy, the governments architectural policy programme, 17 December, 1998

European charter for the safeguarding of Human Rights in the city

<sup>۸</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.

<sup>۹</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

The interrelationships between building regulations and architects' practices Rob Imrie, Department  
of Geography, King's College London

Towards a better understanding of building regulation Jeroen van der Heijden, Jitske de Jong Delft  
University of Technology

Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.

Urban Policies and the Right to the City: Rights, responsibilities and citizenship. UNESCO & UN HABITAT

Interaction of Architecture and Society: City Individuality under changeable informal Effect

Conditions, Jonas JAKAITIS, Interaction of Architecture and Society, 44th ISOCARP Congress 2008

۹. ایجاد بستر و راهکارهای مناسب برای شناخت و افزایش آگاهی عمومی در ارتباط با معماری<sup>۱۰</sup>؛ اقدام مشترک دپارتمانهای محیط زیست، میراث فرهنگی و مقامات محلی با همکاری دپارتمان هنر، راه حلهایی را برای پرورش فهمی معمارانه به عنوان فرمی هنری و بخشی از میراث مشترک اجتماعی و فرهنگی، ایجاد کنند.
۱۰. ایجاد نمایشگاه ها و مراکز عمومی در ارتباط با هدف تقویت رابطه «شهروند و معماری»<sup>۱۱</sup>؛ در طول چند سال، نمایشگاه و رویدادهایی برای مشاهده و تحلیل نحوه و میزان باز ورد اجتماعی در ارتباط با معماری برگزار شود و از طریق انها اطلاعات کاربردی نیز برای مطالعه استخراج شود.
۱۱. حقوق شهروندی برزیل<sup>۱۲</sup>؛ در این طرح، شهروندان هزینه های مصرفی در سال پیش را بررسی می کنند، اولویتهایی را پیش بینی می کنند و برای پروژه های جدید منابع تخصیص می دهند.
۱۲. حقوق شهروندی الکترونیک در ایتالیا<sup>۱۳</sup>؛ در این روش امکان ارتباط از طریق ایمیل بین شهروندان و نهادها با هدف وجود ارتباط همیشگی بین آنها برقرار شده است.
۱۳. حقوق شهروندی مرتبط با مدیریت شهری در سریلنکا<sup>۱۴</sup>؛ در شهر کولومبو یک نهاد مشارکتی شکل گرفته است تا مدیریت شهری را بر اساس بهبود سود بخشی، افزایش مشارکت اجتماعی و غیرمرکزی کردن خدمات شهرداری، ارتقا بخشد.
۱۴. حقوق امنیت زنان در کانادا<sup>۱۵</sup>؛ در پروژه های در مونترئال کانادا برای امنیت زنان در شهر پروژه های از دهه ۹۰ میلادی کلید ورد که یک دهه بعد توانست بر کل ساختار د مات عمومی در راستای امنیت ساکنان شهری و به ویژه زنان، تأثیر بگذارد.
۱۵. حق بر خوررداری شهروندان از سیستم اطلاع رسانی در ارتباط با پروژه های معماری در سطح کلان<sup>۱۶</sup>؛ نهادهای مربوطه ای که مسئول ساخت ساختمانهای عمومی هستند، از این موضوع اطمینان حاصل نمایند که طرح ها،

<sup>۱۰</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

Government Policy on Architecture 2009 – 2015-IRELAND

-Handbook of Human Rights Edited by Thomas Cushman

-BRINGING HUMAN RIGHTS TO ARCHITECTURAL EDUCATION, By Graeme Bristol

Lecturer, King Mongkut's University of Technology Thonburi, Bangkok, Thailand

Government Policy on Architecture 2009 – 2015-IRELAND<sup>۱۱</sup>

Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.<sup>۱۲</sup>

Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.<sup>۱۳</sup>

Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.<sup>۱۴</sup>

Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۶</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل رساله مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

مدارک و اطلاعات مربوط به ساختمان های عمومی به طور شفاف و مطلوبی در اختیار عموم قرار گیرند و به نمایش گذاشته شوند.

۱۶. حق بر خورده‌ای از دسترسی مناسب به اطلاعات در زمینه معماری<sup>۱۷</sup>؛ به طور مثال در نمونه ایرلند، مبتنی بر روند گسترشی در حوزه ارتباطات بین المللی، دسترسی بهینه به منابع و ارتباط مناسب بین نهادهای مختلف، برای ایجاد دسترسی اطلاعاتی در سطح محلی است.

۱۷. سیاست ها و امکانات مبتنی بر مشارکت شهروندان در معماری<sup>۱۸</sup>؛ به طور مثال در ایرلند، چنین سیاستگذاری با هدف دستیابی به روندی اجتماعی در باب فهم معماری، محیط، منظر طبیعی و شهری و سایر وجود مربوط به محیط مصنوع انجام شده است.

۱۸. قوانین مربوط به حوزه ساخت و ساز و معماری و نسبت آن با حقوق شهروندی<sup>۱۹</sup>

---

Government Policy on Architecture 2009 – 2015-IRELAND

Handbook of Human Rights Edited by Thomas Cushman

BRINGING HUMAN RIGHTS TO ARCHITECTURAL EDUCATION, By Graeme Bristol

Lecturer, King Mongkut's University of Technology Thonburi, Bangkok, THAILAND

<sup>۱۷</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

Government Policy on Architecture 2009 – 2015-IRELAND

Handbook of Human Rights Edited by Thomas Cushman

<sup>۱۸</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است :

Government Policy on Architecture 2009 – 2015-IRELAND

Handbook of Human Rights Edited by Thomas Cushman

<sup>۱۹</sup> رجوع کنید به منابع زیر که در راستای تحلیل مورد بررسی و سازماندهی قرار گرفته است:

The interrelationships between building regulations and architects' practices Rob Imrie, -----

Department of Geography, King's College London

owards a better understanding of building regulation Jeroen van der Heijden, Jitske de Jong Delft

University of Technology

-IRELAND ۲۰۱۵- ۲۰۰۹ Government Policy on Architecture

## مبانی نظری

**شهروند؛** «شهروند» از واژه یونانی «سیویتاس» مشتق است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه «پولیس» در زبان یونانی است. شهروند کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره عمومی در محدوده شهر داراست (پلبو، ۱۳۷۰، ص ۱). تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط میسازد (آذرداد، ۱۳۸۹، ص ۱۲). در دانشنامه سیاسی شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر با دولت تکلیف هایی بر عهده دارد (کامیار، ۱۳۸۹، ص ۲۱). از نظر ارسطو شهروند به معنای کامل را نمی توان بهتر از امکان مشارکت او در امر قضا و اشتغال به مقامات قضایی و بال توصیف کرد. شهروندان کسانی هستند که شریک در قدرت شریک اند. لذا بهترین تعریف قابل انطباق به همه اشخاصی که شهروند نامیده می شوند همین واحد بود (ماری گای، ۱۳۸۸، صص ۵۳). مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی میدانند: حقوق قانون مدنی (مانند: مبتنی بر آزادیهای فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق بهره مندی از عدالت)، حقوق سیاسی (از قبیل: حق رای، حق شرکت در انتخابات) و حقوق اجتماعی از جمله: حق بهره مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، دما ت مدنی و اجتماعی (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

**شهروند دموکراتیک؛** شهروند دموکراتیک یک پله بالاتر از شهروند عادی قرار دارد؛ چراکه شهروندان دموکراتیک به حقوق خود آگاهی داشته و آزادی کافی برای اداره امور عمومی کشور را دارند. البته نباید فراموش کرد که تنها با ایجاد افکار دموکراتیک نمی توان شهروندان دموکراتیک داشت (آنتونی و سی مور، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲).

**شهروندی؛** در دیدگاه متقدمین مفهوم شهروندی در جایگاه قانونی و با تبعیت مردم از دولت اهمیت می یافت، در حالیکه امروزه مفهومی فراتر از قانون پیدا کرده و صرفاً تکبیری حقوقی ندارد (کاستلز و دیویدسون<sup>۲۰</sup>، ۱۳۸۲). از اینرو مطالعات شهروندی روند تازه ای میگیرد و با بازیابی مفهوم فرهنگ و اهمیت آن در زندگی جمعی شهروندی، شکل و روح جدیدی در مطالعات شهروندی دمیده میشود (ایزین و ترنر<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۲). به طور خلاصه هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی عبارتست از: برخورداری عادلانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (توسلی و حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۵). عضویت در یک جامعه سیاسی افزون بر حقوق، دربردارنده مسئولیت ها و وظایف نیز هست. بدینسان حقوق نیازمند تعهدات متقابل است، اساساً به دلیل اینکه شهروندی دربردارنده مسئولیتها و وظایف و مشارکت است (شیانی، ۱۳۸۴، صص ۱۶۶-۱۶۵).

## شهروندیاری؛

گواهیگلی<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۴) سه مؤلفه به هم پیوسته دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی را از عناصر اصلی تعریف شهروندی می داند و آموزش شهروندی را توسعه دانش، مهارت و نگرش شهروندی در فراگیران می داند

<sup>۲۰</sup> Casteless & Davidson

<sup>۲۱</sup> Isin & Turner

<sup>۲۲</sup> Quigley

(هاشمی، صالحی عمران و غیاثی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱). موضوعی که آموزش شهروندی را بیش از پیش الزامی می کند این است که اغلب مردم برای انجام فعالیتهای اجتماعی خود آموزش های لازم را ندیده اند و در نتیجه رفتار آنان بر اساس مشاهده و تقلید رفتارهای دیگران بوده است. (سیپانی، سعادت مند و کریمی، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

### حقوق شهروندی

از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از اینرو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدفها و وظایف و روش انجام آن است (شکری، ۱۳۸۶، ص ۸۰). حقوق شهری، شاخه ای منشعب از حقوق اساسی و حقوق اداری است که هردوی آنها از شاخه های حقوق داخلی عمومی قلمداد می شوند (نصر، ۱۳۸۵، ص ۶۸). حقوق شهری مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری ها و سایر ادارات شهری را تبیین می کند (کامیار، ۱۳۸۶، ص ۲۱). حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط متقابل شهروندان و ادارات شهر را در امر محلی و شهری تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری ها و سایر نهادهای شهری را تبیین می نماید (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). بنابراین حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادیهایی گفته میشود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تامین و تضمین کرده است و محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸، ص ۹). حقوق شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و گذشته تاریخی اش چندان روشن و شفاف نیست. حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصداق واقع شدن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۷۰).

### ویژگی های حقوق شهروندی

در واقع اگر بخواهیم به صورت طبقه بندی شده، به بیان حقوق شهروندی بپردازیم، حقوق شهروندی دارای ویژگی هایی است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هدیه ای است الهی و هیچ مقام بشری این حقوق را هدیه نمی کنند.
۲. غیرقابل انتقال است و از انسان انفکاک ناپذیر، چرا که بدون آن فرد را نمی توان بشر (به معنای واقعی کلمه) دانست.
۳. تقسیم ناپذیر است و نمی توان به خاطر تشخیص در کم اهمیت بودن یا عدم ضرورت آن را از کسی سلب کرد.
۴. عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر بوده و همچنین متمم و مکمل هم نیز میباشند.



۵. حقوق ذاتی و فطری انسانها است و از آنها به صفحات شخصیتی انسان تعبیر شده و به هیچ قرارداد و وصفی وابسته نمیباشد.

۶. حقوق شهروندی به روابط فرد با دولت و فرد با فرد به جنبه عمومی مربوط است و از این رو با «حقوق خصوصی» متفاوت است.

۷. حقوق شهروندی تنها به امتیازات افراد در زندگی اجتماعی توجه ندارد، بلکه علاوه بر آن به تکالیف شهروندان در نظام اجتماعی عنایت خاصی دارد (سیاری، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

### ابعاد حقوق شهروندی

«آلن سیرز» و «وان هبرت» در تحلیل ابعاد شهروندی، دیدگاه دیگری را بیان می کنند. آنها ابعاد شهروندی را شامل بعد مدنی شهروندی؛ بعد سیاسی شهروندی؛ بعد اجتماعی- اقتصادی شهروندی و بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی می دانند.

بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملت و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزاد و دسترسی به اطلاعات را شامل می گردد. بعد سیاسی شهروندی، مسائل حق رای و مشارکت سیاسی شهروندان است. به عبارت دیگر، شهروندی سیاسی، به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می کند. بعد اجتماعی- اقتصادی شهروندی، به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد (فتحنی و اجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸).

### انواع حقوق شهروندی

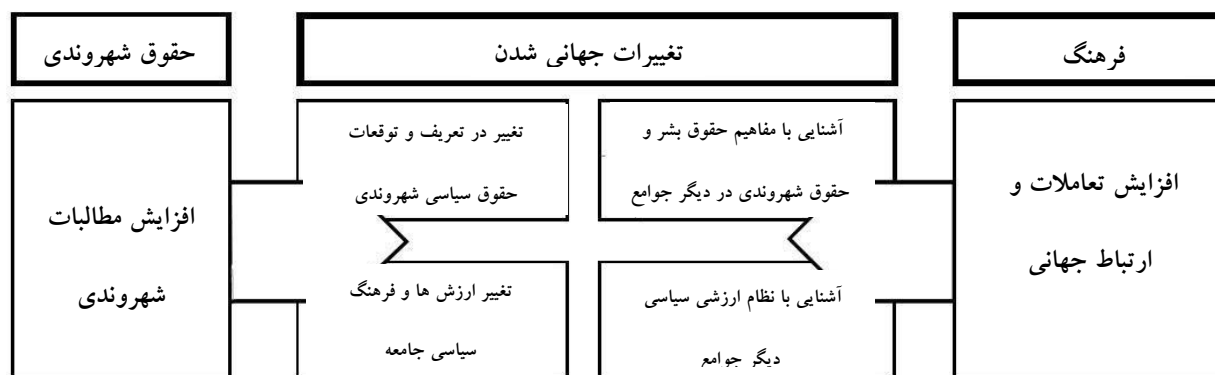
حقوق شهروندی در سه بعد حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی قابل شناسایی است.

۱- «حقوق مدنی»: آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی عقیده و مذهب، آزادی مالکیت و آزادی رفت و آمد از برجسته ترین حقوق مدنی یک شهروند برشمرده می شوند. بدون تضمین حفاظت از این حقوق توسط نظام سیاسی و جامعه نمی توان قائل به وجود مفهوم شهروندی شد.

۲- «حقوق اجتماعی»: حق تشکیل سازمان، انجمن و سندیکا برای تجمیع، بیان و برآوردسازی مطالبات اجتماعی، حق بر خورداری از بهداشت عمومی، حق بر خورداری از آموزش فراگیر و عمومی، حق بر خورداری از حمایت قانون، حق بر خورداری از رفتار برابر در مقابل دستگاه قضایی، حق داشتن دستمزد عادلانه، حق داشتن استراحت و توزیع اوقات فراغت، حق زنان در بر ورداری از حقوق برابر با مردان، حق بر ورد مبتنی بر کرامت انسانی و رعایت حقوق طبیعی از طرف حکومت، حق بر ورداری از آزادی تجمع برای اعتراض مسالمت آمیز و حقوقی مشابه. شهروند فردی است که در عرصه جامعه از حقوق ذکر شده بر وردار باشد.

۳- «حقوق سیاسی»: حق دسترسی برابر به مناسب حکومتی، حق بر ورداری از مشارکت سیاسی نهادمند، حق تشکیل حزب برای شرکت در تعمیم سازی سیاسی، حق بر ورداری از انتخابات منظم ادواری، آزاد و سالم، بر خورداری از حق

عزل حاکمان از طریق ساز و کارهای مطلوب، حق داشتن امنیت سیاسی، حق نقد حاکمان از طریق نهادهای سازى آزادى بیان. حقوق سیاسى به عنوان حقوق عالى شهروندى تعریف مى شود (ساعى ارسى، ۱۳۹۱).



نمودار ۱. جهانی شدن فرهنگ و حقوق شهروندی؛ ماخذ: نگارندگان

### سیر تحول حقوق شهروندی

در ایران به عقیده اکثر مورخان اولین اعلامیه حقوق بشر متعلق به کوروش کبیر بوده است که بعد از فتح بابل در سال ۵۲۳ ق - م بر کتیبه ای گلی به زبان آکدی نوشته شده است. در این کتیبه حقوق بشر و حقوق شهروندی از زبان کوروش کبیر به تحریر درآمده است که از آنجمله میتوان به اعطای حقوق اجتماعی، رعایت حقوق کارگران، تساوی افراد در برابر قانون اشاره کرد (شجیعی، ۱۳۷۲). برای درک بهتر تاریخچه حقوق شهروندی، این موضوع را در دوره های مختلف در ذیل بررسی می نماییم:

**حقوق شهروندی در دوران یونان باستان؛** بنابر شواهد تاریخی، در یونان قدیم که نظام سیاسى در قالب دولت شهر وجود داشت طبقه ای از انسان ها نسبت به دیگران ممتاز و دارای حقوق ویژه ای بودند. مزایای قانونی همچون، حق تساوی در برابر قانون، حق مالکیت، حق قضاوت و آزادی بیان، به مردان آزاد که تعدادشان یک هفتم جمعیت کشور بود، اختصاص داشت (موسوی، ۱۳۸۰، ص ۶۶). بر اساس شهروندی آتنی، زنان، کودکان و نیز اسیران و بردگان توأم با محرومیت از حقوق شهروندی، به حوزه حقوق صوصی تعلق داشتند. این محرومیت به دو دلیل بود نخست آنکه این افراد توانایی دفاع از دولت را ندارند یا قابل اعتماد نیستند، و دوم آنکه فاقد شعور عقلنی لازم برای ابراز وفاداری به ارزش های دولت هستند؛ از این رو، نمایندگان ناامنی در درون دولت-شهرها به شمار می آیند (کاستلز، استفان و دیویدسون، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳).

**حقوق شهروندی در دوران پس از رنسانس؛** با وجود تلاش فیلسوفان و دانشمندان یونان و روم در گذر زمان و در دوران قرون وسطا، حقوق شهروندی در اثر تحولت بعدی به فراموشی سپرده شد و بحث حقوق شهروندی با دوره رنسانس در اروپا شروع شد. در قرون هجدهم و نوزدهم، فیلسوفان آلمانی مانند هگل و مارکس هر کدام از دریچه ویژه ای موضوع حقوق شهروندی را مورد بحث قرار دادند. مارکس موضوع حقوق شهروندی را صرفا دستاویزی بورژوازی دانسته و تحقق واقعی آن را مشروط به زوال کامل نظام نابرابری طبقاتی پیش بینی نمود (موسوی، ۱۳۸۰، ص ۷۲). نظریه حقوق فطری در قرون هفدهم و هجدهم با ستایش فرد و حقوق و آزادی های او همراه است؛ ولی در نوشته های دانایان معاصر، هدف، حفظ منافع عمومی است؛ هدف اصلی آسایش انسان است (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۹۴).

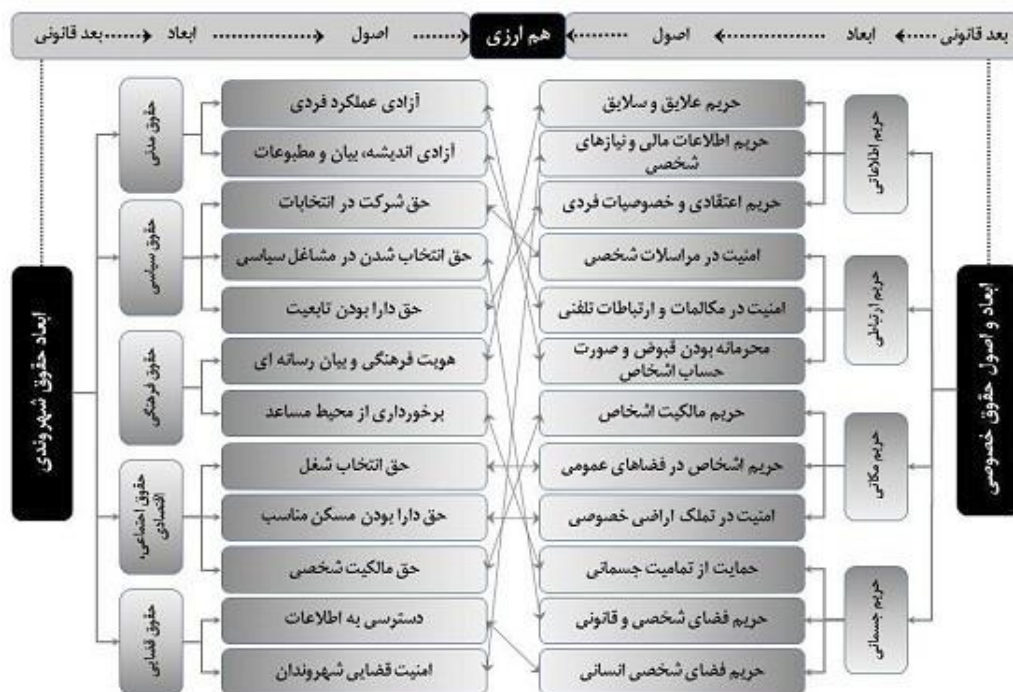
**ایران باستان؛** عده ای «قانون نامه حمورابی» که بر سنگی به درازای ۲.۵ متر، شامل ۲۸۲ قانون نوشته شده، اولین قانونی که به حقوق شهروندی و برابری شهروندان تاکید کرده می شناسند و آن را یک یادگار عظیم از تمدن بین النهرین می دانند. از سویی دیگر، به اعتقاد بسیاری از مورخین و محققین، نخستین و قدیمیترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر فرمان کورش کبیر پس از فتح بابل است (شیروانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶).

**ایران پس از اسلام؛** تاثیر اعراب بر ایرانیان فقط در پذیرش دین اسلام و نظامهای اجتماعی بود. به عبارت دیگر ایرانیان هم آداب و رسوم اعراب را نپذیرفتند بلکه تحصیل علوم خدانشناسی، تاریخ و سایر علوم و کتب و ... متأثر و تسلط اعراب را بر ایرانیان می باشد. در این دوران حقوق شهروندی تابعی از اندیشه سیاسی حاکمان بود (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۲۷) جامعه ایرانی که تعالیم اسلامی را پذیرا شده بود باعث پویایی احقاق حقوق مردم شد. از مجموع آیات و روایت مذهبی، چنین مکی تکوان نتیجه گرفت که انسان از دیدگاه اسلام دارای کرامت و شرافت است و خداوند او را در مقابل دیگر موجودات اصالت بخشیده و هیچ مکتب و آئینی انسان را این چنین تعظیم و تکریم نکرده که اسلام او را عزیز داشته است.

### **حقوق شهروندی در شهرسازی**

شهروندان از «حقوق اجتماعی» یکسانی بر خوردارند که این حقوق شاخه هایی دارد که در دوره پهلوی به صورت کم و زیاد به آن پرداخته شده است. یکی از مولفه های حقوق اجتماعی شهروندی بهره مند شدن از حداقل امکانات خدماتی- رفاهی برای شهروندان می باشد که به خدمات متفاوتی اشاره دارد. همچنین از مولفه های دیگر حقوق اجتماعی شهروندان بر خوردار از وضعیت خیابان ها و پیاده روهای مطلوب می باشد. در زمان پهلوی یکی از عمده ترین وظایف بلدییه توسعه و احداث معابر با توجه به مدرنسیم بوده است (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۹). این خود مقدمه ای بود تا در سال های ۱۳۰۹، ۱۳۱۲، ۱۳۱۸ توسعه و احداث معابر از طرف مجلس شورای ملی کامل تر شد (خمسه ای، ۱۳۶۸، ص ۱۰۴). بلدییه توسعه را عریض کردن و وسیع کردن معابر و یابان ها برای خود تعریف کرده بود که بیشتر این توسعه ها در بافت های قدیمی صورت می گرفت و نتیجه آن تخریب اموال شخصی مردم را در بر داشت (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۸). این دگرگونی تا جایی رشد کرد که در سال ۱۳۰۹ ش. نخستین نقشه دگرگونی تحت عنوان نقشه خیابان ها تهیه شد. توسعه و گسترش شهر پیامد های خوشایندی برای شهروندان را در برداشت که از جمله می توان

به تبدیل شدن خیابان به مکانی برای کسب و کار و داد و ستد مردم شد. در کل این امر باعث شد که شهروندان به راحتی به مناطق تجاری، تولیدی و خدماتی دسترسی داشته باشند (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۸). یکی از خیابان‌هایی که وضعیت مناسبی نداشت خیابان جبا خانه بود. عرض این خیابان بین ده تا پانزده متر بود که شهروندان زمستان‌ها در این خیابان همیشه شاهد گل و لای و در تابستان شاهد گرد و خاک آن بودند (شهری، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۳). بعد از اینکه بلدیّه توسعه و گسترش خیابان‌ها را به اتمام رساند شروع به سنگ فرش کردن، آسفالت ریزی و شن ریزی بعضی از کوچه و خیابان‌های به منظور رفاه حال شهروندان نمود. در این میان می‌توان به سنگ فرش کردن و شن ریزی بعضی خیابان‌ها از جمله خیابان پهلوی، عشرت آباد، دروازه دولت، شاهپور و چند خیابان دیگر اشاره نمود (موسوی عبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۹). شایان ذکر است در این میان خیابان‌هایی بودند که از نظر امنیت حقوق شهروندان فاقد امنیت بودند. به طور مثال خیابان جلیل آباد خیابان پر پیچ و خمی بود که محلی برای دزدان و اراذل اوباش محسوب می‌شد. به طوری که هر کس شبانه از این خیابان عبور می‌کرد مورد حمله و تجاوز قرار می‌گرفت (شهری، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۳). حقوق افراد ملت و اصول حکومت به موجب قانون اساسی ۱۲۸۵ هجری شمسی و متمم آن در مهرماه ۱۲۸۶ هجری شمسی به تصویب مجلس رسید و تابع اصل حاکمیت قانون گردید. هرچند دبری نپایید که این دستاورد عظیم ملت دستخوش انحراف گیرد و به گونه‌ای استبداد در جامعه حاکم گردید. فاصله میان مردم و حاکمان افزوده شد و تلاش ملت برای دستیابی مجدد به حقوق خویش، زمینه‌سازی وقوع انقلاب اسلامی گردید. با پیروزی انقلاب و طی همه‌پرسی، شکل حکومت ایران، جمهوری اسلامی تعیین گردید (شجیعی، ۱۳۷۲، ص ۵۴).



نمودار ۲. ابعاد حقوق خصوصی و حقوق شهروندی؛ ماخذ: خیرالدین و دلایی میلان، ۱۳۹۵، ص ۳۵.

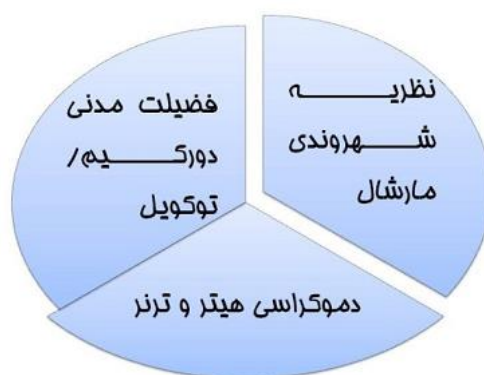
جدول ۱. حقوق شهروندی در قانون جمهوری اسلامی؛ ماخذ: هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳.

چهارچوب حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران	موارد اشاره شده در قانون اساسی	تعدد اصل اشاره شده
امنیت عمومی و خصوصی	امنیت عمومی: حیثیت، جان، مال، شغل و حقوق (اصل ۲۲) امنیت خصوصی: مسکن، داشتن حریم و فضای شخصی، اقامت و تابعیت (اصل ۲۵ و ۳۳)	۳
امنیت قضایی	اصل برائت (اصل ۳۷)، تعقیب قانونی (اصل ۳۲)، محاکمه عادلانه با حق انتخاب وکیل (اصل ۳۵)، محاکمه علنی (اصل ۱۶۵)، قانونی بودن جرایم و مجازات ها (اصل ۳۶ و ۱۶۹)، امنیت متهمان، محکومان (اصل ۳۸ و ۳۹) و اجتماعات (اصل ۲۷)	۹
آزادی های اجتماعی	آزادی عقیده (اصل ۲۳)، بیان (اصل ۲۴)، احزاب (اصل ۲۶)، و برگزاری اجتماعات و تظاهرات (اصل ۲۷)	۴
حقوق سیاسی و مشارکتی	نهاد های سیاسی و حقوق و آزادی های افراد در مشارکت امور سیاسی و اداری کشور (اصول ۱۱۴، ۱۰۷، ۱۰۰، ۶۲، ۵۶، ۶، ۷)	۷
حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	حقوق اقتصادی، اجتماعی (اصول ۲۱، ۲۹، ۲۸، ۴۳) و فرهنگی (اصل ۳ و ۳۰)	۶
حقوق طبقه آسیب پذیر و اقلیت ها	حقوق زنان، سالمندان و کودکان (اصل ۲۱)، اقلیت های مذهبی (اصول ۱۲ تا ۱۴) و پناهندگان (اصل ۱۵۵)	۵

### نظریات حقوق شهروندی

در این قسمت به طور فشرده به بررسی و تفکیک، اصول و معیارهای بر ی از سنتهای نظری مربوط به شهروندی پرداخته می شود:

1. اولین سنت، «نظریه تی.اچ.مارشال» است که در واقع معروفترین نظریه شهروندی از سوی او مطرح شده است. در نظریه مارشال سه عنصر «مدنی، سیاسی و اجتماعی» با یکدیگر مرتبط می باشند. او سه دسته عنصر حقوق شهروندی را از یکدیگر متمایز میکند که با گذشت زمان توسعه یافته اند: حقوق در مقابل تعهدهای سازمانی (مثل حق رای)، حقوق آزادی مدنی (که از جانب دادگاه ها محافظت میشوند) و حقوق مشارکت و تامین عدالت اجتماعی که در مرکز توجه دولت رفاه قرار گرفته اند (Marshall, 1997: 29).
2. دومین سنت، رهیافت «دورکیم/توکویل» در فرهنگ مدنی است که بحث «فضیلت مدنی» را سرلوحه کار خود قرار میدهد. این سنت در جمهوری فرانسه نمود قابل توجهی به خود می گیرد و به «سنت جمهوری شهروندی» مشهور شده است. هردو دیدگاه مذکور با عنوان های «نولیبرالی» و «نوفضیلتگرایی» تداوم یافته اند.
3. آخرین سنت نظری شهروندی، مفاهیم جدیدی چون مردم سالاری، جنبش های اجتماعی، جامعه مدنی، ارتباط مردم سالارانه و کنش ارتباطی را مورد توجه قرار می دهد. این رهیافت جدید با توجه به تلاش صاحب نظرانی همچون «ترنر» و «هیتز» که مباحث شهروندی فرهنگی و شهروندی اجتماعی را مطرح کرده اند، در این مقوله تعریف میشود. باید اذعان کرد که رهیافت سوم براساس انتقادهای وارد به شهروندی دولت محور مارشال و فضیلت مدنی جامعه محور دورکیم شکل گرفته است (ربانی وراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶، صص ۱۲-۱۳).



نمودار ۳. انواع نظریات شهروندی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق .

جدول ۲. مقایسه اهم نظریات شهروندی؛ ماخذ: نگارنده

نظریه	ایده پرداز	ساختار ارتباطی	ساختار سیاسی
نظریه شهروندی	تی.اچ. مارشال	دولت محور	دولت رفاه
نظریه فضیلت مدنی	دورکیم و توکویل	جامعه محور	«نولیبرالی» و «نوفضیلتگرایی»
نظریه دموکراسی شهری	ترنر و هیتز	مردم محور	دموکراسی و جامعه مدنی

در ادامه معروفترین نظریه درباره حقوق شهروندی موسوم به نظریه حق به شهر تبیین و شرح داده میشود.

### نظریه حق به شهر

«حق به شهر»<sup>۲۳</sup> مفهومی است که اولین بار توسط «هنری لوفور» در کتابی با همین عنوان مطرح شد. از نظر او حق به شهر نوعی درخواست و مطالبه برای دستیابی تحول یافته به زندگی شهری است (kofman, ۱۹۹۶) این حق پیش از آنکه فردی باشد، مفهومی عمومی است که مستلزم تغییراتی می باشد که این تغییرات نیز نیازمند یک قدرت جمعی برای شکل دهی مجدد به فرایندهای شهری می باشند. مفهوم حق به شهر مستلزم و منوط به آزادی و بازسازی شهری و تک تک انسان ها در آن است، مفاهیمی که در عصر حاضر مورد بی اعتنایی قرار گرفته اند (Harvey, ۲۰۰۸). در نوشتاری دیگر روحی به نقد و بررسی کتاب حق به شهر دیوید هاروی و اندی مری فیلد پرداخته است، که در آن نیز همچنین حق به شهر به عنوان یکی از پیش نیازهای اساسی برای شکل گیری خودآگاهی و کنش<sup>۲۴</sup> بوده و «فراتر از آزادی فردی در دسترسی به امکانات شهری» می باشد. به بیانی دیگر حق به شهر، حقی همگانی و مشارکتی<sup>۲۵</sup> در نحوه ی تغییر شهر است (روحی، ۱۳۹۲). علاوه بر عمومی و همگانی بودن حق به شهر، این حق منبع برتری برای تحقق سایر حقوق در شهر می باشد (اطهاری، ۱۳۹۰). مارک پورسل در مقاله ای تحت عنوان «واکاوی لفور»: حق به شهر و سیاست های شهری ساکنان شهر»، با بیان اینکه تئوری حق به شهر لفور رادیکال تر و بسیار گسترده تر از آن مفهومی است که رواج یافته است، با ارائه خوانش جدید از حق به شهر به عنوان «سیاستهای شهری ساکنان شهر»، حق به شهر را راه حلی برای مقاومت شهروندان در برابر ساختارهای تحمیلی و شکل دهنده به شهر، و سیاستی برای دستیابی به فضاهای شهری می داند (Purcell, ۲۰۰۲). حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه و غیر رسمی. لفور دو مؤلفه را در حق شهری بازمی شناسد:

1. «حق استفاده مناسب از فضاهای شهری»: امروزه در شهرهای ما بر اساس نیازی که زندگی اجتماعی شهری

ایجاب می کند، حق استفاده از فضاهای شهری، برای بازی کردن، کار کردن و وجوه و موارد مشابه برای

زندگی مناسب، آنچنان که باید، تامین نشده است.

<sup>۲۳</sup> The Right to The City

<sup>۲۴</sup> Action

<sup>۲۵</sup> public and Collaborative Right

2. «حق مشارکت»<sup>۲۶</sup>: بر اساس این حق ساکنان شهر باید در سطوح مختلف تصمیم گیری های مربوط به فضاهای شهری دخیل باشند (Fenster, ۲۰۰۵).

حق استفاده از شهر، در بعد عمومی، باعث شکل گیری احساس تعلق می گردد. تعلق یک احساس است که در فعالیت های روزمره و استفاده از مکان ها شکل می گیرد و به دنبال استمرار بهره گیری از فضا تقویت می شود (رهبری، ۱۳۹۳).

فعالیت های روزمره علاوه بر این که احساس تعلق برای شهروندان به بار می آورند، سبب شکل گیری معنا و هویت فضایی نیز می شوند. برای مثال خیابان به عنوان یک مکان<sup>۲۷</sup> جغرافیایی که توسط برنامه ریزان و طراحان شهری طراحی شده است، توسط افرادی که در آنجا دست به کنش اجتماعی<sup>۲۸</sup> می زنند، تبدیل به یک فضا می شود (رهبری، ۱۳۹۳) و هویت می گیرد. فضای اجتماعی<sup>۲۹</sup> نیز چنین است؛ این بدان معناست که فضا به خودی خود نمی تواند وجود داشته باشد. فضا نشان دهنده واقعیت اجتماعی<sup>۳۰</sup> است. در نگرش لفور پنداره های تاریخی فضا بر پایه سه محور تحلیل می شود، که به بیانی ساده تر عبارتند از: الف) فضای به فهم درآمده یا ادراک شده ب) فضای به حس دریافته یا احساس شده ج) فضای زیسته (الیوت و ترنکر، ۱۳۹۰). فضاهای زیست اجتماعی از طریق این سه بعد که با هم روابط «دیالکتیکی»<sup>۳۱</sup> دارند ایجاد شده است. بدون شناخت و آگاهی از روابط دیالکتیکی میان فضاهای به فهم درآمده، احساس شده، زیسته و جریان تولید فضا در شهر و چگونگی بازتولید آن، فرایند اقدام و تلاش برای دستیابی به حق به شهر، آنچنان که باید؛ محقق نمی گردد. در هر یک از فضاهای یاد شده با توجه به فرصت شکل گیری کنش و امکان تبدیل شهر به عرصه عمل، چگونگی اقدام برای حق خواهی متفاوت است. ابعاد سه گانه روال فضایی، بازنموده ای فضایی، فضاهای بازنمود، با ایجاد بسترهایی برای درک و دریافت از امور مختلف زیستی در شهر، در تولید فضا نقش ایفا می کنند:

1. «روال فضایی»<sup>۳۲</sup>: روال های فضایی به عنوان نوعی فضاگونگی<sup>۳۳</sup> تعریف می شوند که تولید و باز تولید و جایگاه ها و چیدمان های فضایی عملکردهای مختلف را دربر می گیرند. روال فضایی یک جامعه، فضای آن جامعه را تولید می کند و فضا را مطرح می کند. روال های فضایی به عنوان فرآیند تولید شکل مادی

<sup>۲۶</sup> Right to Participation

<sup>۲۷</sup> place

<sup>۲۸</sup> Social Action

<sup>۲۹</sup> Social Space

<sup>۳۰</sup> Social Fact

<sup>۳۱</sup> Dialectical

<sup>۳۲</sup> Spatial Practice

<sup>۳۳</sup> Spatiality



فضاگونگی اجتماعی، هم به عنوان میانجی و هم برونداد فعالیت، رفتار و تجربه انسانی نمایش داده می شوند (Lefebver, ۱۹۹۱). روال فضایی مشخص کننده بعد مادی<sup>۳۴</sup> فعالیت و تعامل اجتماعی است. شبکه های تعامل و ارتباط روزمره<sup>۳۵</sup> که در فرایند تولید<sup>۳۶</sup> بروز می کنند نمونه ای از این روال های فضایی هستند (روحی، ۱۳۹۲).

2. «بازنمودهای فضایی»<sup>۳۷</sup> بازنمودهای فضا یک فضای مفهومی شده یا معقول را تعریف می کنند. فضای دانشمندان، برنامه ریزان و شهرسازان در این فضا جای می گیرد. این فضای معقول همچنین به روابط تولید<sup>۳۸</sup> و به صوص به نظم یا طراحی که آن روابط تحمیل میکنند، گره ورده است. چنین نظمکی از طریقتی کتکرل دانکش، نمادها و کدها بر ابزار رمزگشایی روال فضایی و در نتیجه تولید دانش فضایی<sup>۳۹</sup> اعمال می شود (Soja, ۱۹۹۶).

3. «فضاهای بازنمود»: فضاهای بازنمود در عین اینکه متمایز از دو فضای دیگر است، اما آنها را در بر می گیرد. فضاهای بازنمود، سمبلیسم های پیچیده به وجود آوردنده رمز و بدون رمز، را متبلور می سازند. آنها به بخش سری یا زیرزمینی زندگی اجتماعی پیوند خورده اند. فضای بازنمود<sup>۴۰</sup> واجد نوعی رازگرایی<sup>۴۱</sup>، ناکلامی ناهشیار و امر درک ناپذیر است (دلیل، ۱۳۹۲). این فضا، فضای زیست کنندگان و کاربران<sup>۴۲</sup> است. فضای زیسته، در واقع فضایی اسکت که فارغ از اندیشه شهرسازی و برنامه ریزی تجربه می شود و گاهی جایگاه مقاومت<sup>۴۳</sup> در برابر فضای معقول است. به بیانی دیگر می توان گفت فضای زیسته، جایگاهی برای نه گفتن<sup>۴۴</sup> و پس زدن نیروهای سرکوبگر<sup>۴۵</sup> و نظم دهنده به فضا، و بر اساس تجربه زیسته و شناختی که از زیستن در چنین فضایی حاصل می آید؛ بستری برای خودمدیریتی، و به دنبال آن فرصتی برای حق خواهی می باشد.

---

<sup>۳۴</sup> Material

<sup>۳۵</sup> Daily Interaction Networks

<sup>۳۶</sup> Production Process

<sup>۳۷</sup> Representation of Space

<sup>۳۸</sup> Relations of production

<sup>۳۹</sup> Spatial Knowledge

<sup>۴۰</sup> Space of Representation

<sup>۴۱</sup> Secret oriented

<sup>۴۲</sup> Users

<sup>۴۳</sup> Resistance

<sup>۴۴</sup> Rejection

<sup>۴۵</sup> Repressive forces

این کاربران از مردم تا دانشمندان و برنامه ریزان را در بر می گیرد. به بیانی دیگر، قدرت مهار کننده فضای معقول و همچنین بستر شکل گیری و دستیابی به حقوق شهری در فضاهای بازنمود پدیدار می گردد. فضاهای بازنمود، به طور مستقیم فضاهای زیسته، هستند. زبان آنها زبان ویژه و بیان نمادی نیست؛ بلکه زبان آنها زبان ساده و خودمانی مردم است (Merrifield, ۲۰۰۶).

جدول ۳. سیر تحول عوامل موثر بر حقوق شهروندی؛ ماخذ: نگارندگان.

عوامل موثر در هر دوره	دوران مدرن قرن ۱۹
ظهور لیبرالیسم و لیبرال ها مخالف دخالت دولت در امور زندگی شهروند و اجتماع	
لیبرال ها، معتقد به نقش و دخالت فعال دولت برای از بین بردن تبعیضات، بی عدالتی ها و نا برابری ناشی از آزادی ها، قرار دادن وسایل و امکانات لازم را در اختیار گروه های اجتماعی	قرن ۲۰
ظهور سوسیال دموکرات ها، گسترش بیشتر مفهوم حقوق اجتماعی، برخورداری از خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، تأمین رفاه اجتماعی	قرن ۲۱

لوفور پس از آن، آنچه که می تواند به عنوان یک روش آرمانی به نظم اجتماعی باشد، توصیف می کند: درک واقعیت اجتماعی فضایی (مشکلت، دارایی ها و تضادهای آن) همچون کشف ممکنات پنهان آن است. این مدینه فاضله، امکان وجود دارد و او معتقد است که میبیند، و به آن انقلاب شهری نام داده. این انقلاب شهری یک پانل از جامعه شهری دستیافتنی و متناظر با دوره های از تاریخ و آینده جامعه است. شرایط آن «حق شهروندی» است: توسعه جامعه تنها می تواند در زندگی شهری تصور شود، آنهم از طریق تحقق جامعه شهری (لوفور، ۱۹۷۴، ص ۱۴۴). بنابراین مدینه فاضله ذاتی لوفور به طور همزمان نه تنها مربوط به زندگی روزمره، مالکیت و تولید حالت بلکه اشکال قدرت را نیز شامل می شود. چرا که این حق شهروندی می باشد، البته به معنای مشارکت موثر بخشی از ساکنان و شهروندان. ساکنان در تصمیمات و برنامه های شهرسازی باید وارد شوند. نظام خود مدیریت شهری، یک مفهوم نوآورانه در آن زمان بود، که پایه و اساس این حق برای تحقق بخشیدن به جامعه آینده شهری می باشد (Trebitch, ۲۰۰۳). (لوفور، ۱۹۹۹).

سه فرمول مهم مفهومی برای فکرکردن در مورد تناقض در تولید و تخصیص فضا ارائه داده که شامل: فضاهای ایزوتوپ، فضاهای هتروتوپ و فضاهای آرمانی است. به زبان ساده، فضاهای ایزوتوپ توسط ایزوتوپهای خود تعریف میشوند که همان فضا را تشکیل داده و ساخته اند. آنها را می توان به عنوان فضاهای مشابه به منطق سرمایه، داشتن عملکرد و ساختارهای متشابه و از منظر بازتولید نظام سرمایه تصور کرد.

## حقوق شهروندی و شهرسازی

شهروندی سازه ای تلقی میشود که؛ ۱. از پذیرش آگاهانه و دلیل مند، نسبت به عضویت در جمع حکایت می کند که بر مبنای توجیهات خردپسندی انجام گرفته باشد؛ ۲. قابلیت پذیرش بر جمع و شمارش در ردیف دیگران را نشان می دهد؛ ۳. از وجود واسطه متقابل میان فرد و دیگران در یک جامعه حکایت می کند و ۴. از وجود تعهدات دوجانبه میان فرد و جامعه خبر میدهد (شهباء و قلی خانی، ۱۳۹۰). این تعهد در دو جنبه مهم قابل طبقه بندی است: اول؛ حفظ، تقویت، به کارگیری و پاسداری از اصول ارزشی و هنجارهای رسمیت یافته جامعه توسط شهروند (حقوق عمومی) و دیگری؛ در پناه گرفتن و امکان رشد و توسعه دادن به شهروند توسط جامعه (حقوق خصوصی). در یک تقسیم بندی کلی، حقوق شهروندی شامل حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی، حقوق مدنی، حقوق قضایی و حقوق اجتماعی و اقتصادی است (پیرهادی، ۱۳۸۵ و اسماعیلی، ۱۳۸۸).

## حقوق عمومی در شهرسازی

با گذر از حقوق خصوصی که موضوع و محوریت اصلی آن «فرد» است، به حقوق عمومی که با کلیت «جامعه» سروکار دارد، می پردازیم. از منظری می توان گفت، پیکره جامعه از دو رکن تشکیل شده است فرمانروایان (دولت) و فرمانبران (مردم). حقوق خصوصی روابط بین فرمانبران را انتظام می بخشد و حقوق عمومی روابط بین فرمانروایان و فرمانبران را مورد توجه قرار می دهد. حقوق عمومی مشتمل بر قوانینی بوده که در آن وظایف، اختیارات و روابط دولت با مردم تنظیم شده است؛ به عبارت دیگر حقوق عمومی قواعد حاکم بر تشکیلات دولت و روابط سازمانهای وابسته آن با مردم است (کامیار، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

در روابط بین فرمانبران و فرمانروایان (مردم و دولت)، اگر شکافی ایجاد شود به دنبال آن عدم سازش میان طرفین را منجر شده و دوگانگی بین مردم و دولت رقم خواهد خورد. همچنین اگر دولت و جامعه، همبسته و پیوسته باشند اما با دگرگونیهای کوتاه مدت و پیاپی همراه گردند با تبعاتی همراه می شود که برآیند هردوی آنها به صورت منفی بر ساختمان های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و کالبدی جامعه در شکل های مختلف رخساره می یابد (باقریان، ۱۳۸۶، ص ۳).

به طور خلاصه، هدف غایی حقوق عمومی تنظیم زندگی شایسته برای انسانها تعریف شده است که به وسیله دولت و با همکاری مردم محقق می شود. به گفته لئو اشتراوس و جوزف کرایسی «جامعه را نیازهای ما و دولت را شرارتهای ما به وجود می آوردند. اولی از راه متحد ساختن عواطف ما به شیوه اثباتی موجب پیشبرد ما میشود و دومی با کنترل کردن شرارتهای ما به شیوهای سلبی ما را خوشبخت تر می سازد؛ اولی حامی و دومی مجازات کننده است» (گرچی به نقل از اشتراوس و کرایسی، ۱۳۹۳، ص ۱۰). در یک جمله می توان گفت که مبنای قلمرو، گستره و نحوه مداخله دولت در شئون اقتصادی و اجتماعی، از بنیانی ترین مسائل حقوق عمومی است (مشهدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱) خاستگاه مالکیت و حاکمیت را نیز باید به ترتیب در حقوق خصوصی و حقوق عمومی جستجو کرد، به رغم نزدیکی دو نهاد حقوقی مالکیت و حاکمیت، هر یک در سطح رد و کلان دارای آثار و تبعات مختلفی هستند (رمضانی و سیمایی، ۱۳۹۳، ص

۳. لذا اوصاف خاص شهرسازی و ارتباط آن با منافع جمعی بر خلاف مالکیت شخصی، اقتضا دارد که رابطه دولت (کنشگر حاکمیت) با نظام شهرسازی توصیف گردد. نظریه خدمات عمومی از جمله تأثیرگذارترین نظریات در حوزه مباحث مربوط به حقوق عمومی محسوب می شود. نظریه «خدمات عمومی»<sup>۴۶</sup> در اثر لزوم تأمین خدمات عمومی و در راستای منافع جمعی در زندگی به وجود آمده است و به مرور زمان تحول بسیاری را پذیرفته است. به اعتقاد برخی «مشروعیت دولت» وابسته به میزان «خدمات عمومی» است که ارائه می دهد و اگر دولتی قدرت انجام دادن این وظیفه را نداشته باشد شایستگی بقای خود را از دست می دهد؛ مشروعیت اعمال قدرت نیز از همان هدف خدمات مایه می گیرد (رضایی زاده و کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۲۵). مشروعیت قدرت دولت نه تنها به خدماتی که انجام می دهد بلکه به چگونگی اجرای این خدمات یعنی «قانونمند بودن» آن نیز مرتبط می شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵، ص ۹).



نمودار ۴. ارتباط هم ارزی متقابل ابعاد حقوق عمومی و حقوق شهروندی

به طور عمده سه دیدگاه حقوقی-نظری در تبیین نسبت قانونی بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی بیان می شود.

1. برتری حقوق خصوصی بر حقوق عمومی: طی این فرایند، تقدم حقوق شخصی و مالکانه افراد راهی برای

تحقق پذیری عدالت اجتماعی و در نتیجه تحقق آرمان شهر مدنی به حساب می آید. این برتری در تمام جوامع مبتنی بر قاعده ای است که در آن منافع خصوصی در تعارض و تقابل با منافع عمومی نبوده بلکه مکمل آن است.

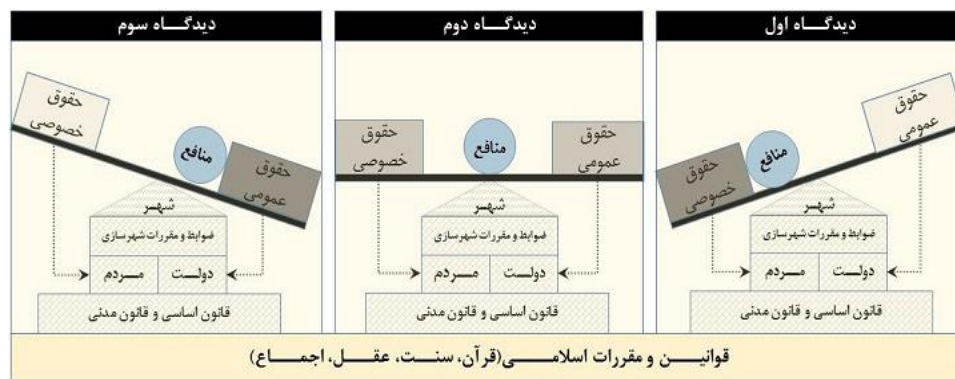
2. برابری حقوق عمومی و حقوق خصوصی در تصاحب منافع: این دیدگاه مبتنی بر فرایندی است که طی آن

حقوق عمومی نه در تقابل و تعارض با حقوق مالکانه بلکه در تعادل و تعامل با آن محقق می شود. فرایندی که

<sup>۴۶</sup> Services publics

بر اساس قانون و با بهره گیری از عرف حاکم بر جامعه، تعارضات منفعت طلبانه را به تعاملاتی پایدار مبدل می سازد.

3. برتری حقوق عمومی بر حقوق خصوصی: امروزه جوامع مرفعی بر پایه حدود و قیودی استوار است که هر فردی منافع شخصی خود را تابع آن دانسته و رعایت آن را برای تأمین منافع اجتماع واجب می داند. به طور خلاصه رکن عمده قانون اجتماع، اولویت نفع عمومی نسبت به نفع شخصی است. این دیدگاه با تقدم دانستن منافع عمومی جامعه به منافع شخصی افراد، تحقق پذیری عدالت اجتماعی و آرمانشهر مدنی را در گرو تحقق حقوق عمومی میداند.



نمودار ۵. پایه های حقوقی مؤثر در شکل گیری دیدگاه های سه گانه؛ ماخذ: خیرالدین و میلایی، ۱۳۹۵.

ضوابط و مقررات شهرسازی، فی نفسه مطلوبیت ذاتی و حقیقی ندارند، بلکه در صورتی که واجد ویژگیهای مناسبی برای تحقق اهداف و آرمانهای حقیقی باشند، خوب توصیف خواهند شد. یکی از مهمترین این ویژگیها، هدفمندی محتوایی ضوابط و مقررات است (صالحی، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

### بیان یافته های تحقیق

در این تحقیق در راستای میزان سنجی انطباق مولفه های حقوق شهروندی با حقوق معماری و شهرسازی از روش «دلفی» با طیف لیکرت استفاده گردید. روش دلفی که در دهه پنجاه برای غلبه بر ناتوانی های سایر روشهای پیش بینی، در شرکت راند توسط نورمن دالکی، لف هلمر و تی. جی. گوردون ابداع شد، ابتدا برای مسایل نظامی به کار رفت، سپس، به دلیل اهمیت آن به سایر حوزه ها نیز راه یافت. تقریباً تمامی محققان مقیاس لیکرت را از نوع مقیاس رتبه ای (ترتیبی) می دانند. اما محققان بر روش های تجزیه و تحلیل داده هایی که از مقیاس لیکرت ناشی میشود توافق زیادی ندارند، اگرچه در برخی از این روشها هم، بحث و مجادله های زیادی است، اما روشهایی هستند که اکثراً بر آن توافق دارند. از طیف لیکرت می توان برای تقسیم کلی و قابل قبولی از نگرش های مردم و طرح عباراتی که ارتباط معنای ظاهری آن با نگرش مورد بررسی به وضوح روشن نباشد، استفاده کرد. به این ترتیب میتوان انشعابات دقیق تر و عمیق تر یک نگرش را کشف کرد؛ لذا از ۲۰ کارشناس معماری و شهرسازی سوال گردید که بر اساس «طیف لیکرت ۵ گانه» چه میزان سنخیت بین هریک از مولفه ها با حقوق شهرسازی متصور میشوید؟ همچنین از افراد فوق، ۷ نفر نیز

متخصص حقوق بوده اند. مولفه های مورد سنجش، نیز از «منشور حقوق شهروندی» دولت تدبیر و امید به عنوان اولین منشور حقوق شهروندی مصوب و «مولفه های حق به شهر» نظریه لغور استفاده شده است. همچنین در مرحله بعدی بر یکی از مولفه های پیشنهادی صاحب نظران و افراد فوق الذکر جمع آوری و تحلیل و تنسيق شده اند. نتایج مربوطه به شرح زیر است.

جدول ۴. میزان انطباق مولفه های منشور حقوق شهروندی با حقوق معماری؛ ماخذ: یافته های تحقیق

رتبه	میزان سنخیت با حقوق معماری و شهرسازی	مولفه
۲۱	۲.۳	حق صلح، امنیت و اقتدار ملی
۴	۴.۲	حق سلامت و کیفیت زندگی
۱۶	۳.۲	حق کرامت و برابری انسانی
۹	۳.۹	حق آزادی و امنیت شهروندی
۸	۳.۹۵	حق مشارکت در تعیین سرنوشت
۱۱	۳.۸	حق اداره شایسته و حسن تدبیر
۱۰	۳.۸۵	حق آزادی اندیشه و بیان
۱۳	۳.۴۵	حق دسترسی به اطلاعات
۱۵	۳.۳۵	حق دسترسی به فضای مجازی
۶	۴.۱	حق حریم خصوصی
۱۲	۳.۷	حق تشکیل تجمع و راهپیمایی
۲	۴.۳	حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد
۱۴	۳.۴	حق تشکیل و بر خورداری از خانواده
۵	۴.۱۵	حق بر خورداری از داد خواهی عادلانه
۱۰	۳.۸۵	حق اقتصاد شفاف و رقابتی

۱	۴.۳۵	حق مسکن
۳	۴.۲۵	حق مالکیت
۱۸	۲.۹	حق اشتغال و کار شایسته
۱۷	۲.۹۵	حق رفاه و تامین اجتماعی
۱۹	۲.۷	حق دسترسی و مشارکت فرهنگی
۲۰	۲.۶۵	حق آموزش و پژوهش
۷	۴.۰۵	حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار

یافته های این بخش نشان داد که در مجموع به ترتیب حق مسکن، حق اقامت و رفت و آمد و حق مالکیت رتبه های اول تا سوم نظرسنجی را بخود اختصاص داده اند. همچنین حق مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش و حق صلح و امنیت نیز کمترین رتبه ها در رابطه با ارتباط مولفه هکای حقوق شهروندی منشور تدبیر و امید با حقوق معماری و شهرسازی از دید صاحب نظران داشته اند. در رابطه با مولفه های مربوط به نظریه حق به شهر لفور نیز از طیف لیکرت ۳ گانه استفاده شد که بعد از تجميع نظرات صاحب نظران از سه مقیاس کم، متوسط و زیاد استفاده گردید که نتایج آن در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵. میزان انطباق مولفه های نظریه حق به شهر با حقوق معماری؛ ماخذ: یافته های تحقیق. (راهنما: کم\*، متوسط\*\*، و زیاد\*\*\*)

مولفه های حق به شهر و اولویت آنها در حقوق معماری و شهرسازی			رتبه اولویت بهره مندی شهر هانری لفور
۸	۴.۳۵	حق کودکان در استفاده برابر از معماری شهری	
۱۱	۴.۰۵	حق زنان در استفاده برابر از معماری شهری	
۹	۴.۲۵	حق معلولان در استفاده برابر از معماری شهری	
۱۰	۴.۱	حق سالمندان در استفاده برابر از معماری شهری	

۱۳	۳.۷۵	حق مشارکت در برنامه ریزی پروژه های معماری	۱۳	۳.۷۵	حق مشارکت در طراحی پروژه های معماری	۱۳	۳.۷۵	حق مشارکت در مشاوره برای پروژه های معماری	۱۴	۳.۷	حق مشارکت در اجرا و خصوصی سازی پروژه های معماری	۷	۴.۵۵	دسترسی مناسب و عادلانه به معماری شهری	۱۵	دستیابی به کانونهای قدرت مدیریت شهری و شهرداری	۷	۴.۵۵	حق شفافیت در سازوکار مدیریت شهری	۶	۴.۶۵	حق اختلاط پذیری قومیتی و ملیتی	۶	۴.۶۵	عدم جداگزینی و تمرکز خاص اقشار اجتماعی	۱	۴.۸۵	حق مسکن مناسب	۱	۴.۸۵	حق محیط سالم و بهداشتی شهری	۳	۴.۸	برخورداری از زیرساختهای شهری	۲	۴.۸۲	بر خورداری از خدمات شهرداری	۴	۴.۷۵	بر خورداری از امنیت شهری	۵	۴.۷	حق سکونت اقلیتهای قومی	۵	۴.۷	حق سکونت اقلیت های مذهبی



۵	۴.۷	حق سکونت مهاجران داخلی و خارجی	۴ ۳ ۲ ۱	
۱۲	۳.۸	حق تفاوت پذیری قومیتی		
۱۲	۳.۸	حق تفاوت پذیری ملیتی		
۱۲	۳.۸	حق تفاوت پذیری مذهبی		
۴	۴.۷۵	حق آزادی همگانی		

در رابطه با مولفه های حق به شهر هم یافته های تحقیق شاندا که از دید کارشناسان حق مسکن و داشتن محیط سالم و بهداشتی در رتبه اول قرار گرفته است. بر خورداری از خدمات شهری در رتبه دوم و بر خورداری از زیرساختهای شهری نیز در رتبه سوم قرار گرفته اند. امنیت و بر خورداری از امنیت شهری در رتبه ۴ و حق سکونت اقلیتهای مذهبی و اقوام مختلف رتبه بعدی را شامل شده است. سایر رتبه بندی ها در جدول بالا مورد اشاره قرار گرفته است.

### نتیجه گیری و جمع بندی

لوفور در مباحث خود نتیجه می گیرد که مواجهه با معضل شهریت وابسته به ساختار اقتصادی و سیاسی در مقیاس کشوری و همین طور ساختارهای کلان ایدئولوژیکی است. بر این اساس او مفهوم «حق بر شهر» را با این هدف که بتواند در تطابق با هر دو وجهه عملی و نظری معضل شهر، پاسخی مؤثر باشد، ارائه کرد. عرصه دیگری که لوفور بر آن تأکید میکند، بر جنبه هایی از شهرهای سنتی مرتب است که آنها را در برابر نظام گسیخته و از شکل افتاده شهر مدرن در نظر میگیرد، گرچه او به هیچ عنوان خواستار بازگشت به شهر سنتی نیست. بلکه تمام این وجوه در نهایت باید در چارچوب نظامی نوین بر پایه مفهوم «حق بر شهر» درباب زندگی شهری درآیند. لوفور در نوشته هایش نمونه های زیادی را با عنوان «حق»<sup>۴۷</sup> مطرح می کند. به صورت کلی میتوان در چارچوب مفهوم کلی «حق بر شهر»، صورت بندی زیر را از مجموعه این حقوق زیر ارائه داد: حق تخصیص<sup>۴۸</sup>؛ حق مشارکت<sup>۴۹</sup>؛ حق مرکزیت<sup>۵۰</sup>؛ حق سکونت<sup>۵۱</sup>؛ حق بر زیستگاه<sup>۵۲</sup>؛ حق بر فردیت بخشی در اجتماعی سازی<sup>۵۳</sup>. تقریباً بسیاری از مصادیق حقوق شهروندی که امروزه در اسناد

<sup>۴۷</sup> Right

<sup>۴۸</sup> The right of appropriation

<sup>۴۹</sup> The right of participation

<sup>۵۰</sup> The right to centrality

<sup>۵۱</sup> The right to inhabit: or the right to urban citizenship

<sup>۵۲</sup> The right to habitat

<sup>۵۳</sup> The right to individualization in socialization

بین المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای شهروندان شناخته شده است، از جمله حق آزادی رفت و آمد، آزادی بیان، دخالت شهروندان در حکمرانی و وضع قانون، منع بردگی، منع شکنجه، حق بر امنیت، حق بر تابعیت، حق پناهندگی و حق بر عقیده و دین و مذهب مانند آن، در دوران باستان در ایران پذیرفته شده بود. اما امروزه در ایران پدیده فرهنگ شهروندی در مطالعات علمی متأثر از جامعه مدنی غرب است و ما در تکامل فرهنگ و حقوق شهروندی خود باید مبانی و معیار های الگوی ملی، منطقه ای و محلی را تدوین کنیم و در عین هویت ملی داشتن از تجارب سایر جوامع با استفاده صحیح منطقی از آن در جهت توسعه همه جانبه حرکت کنیم و یکسری راهکارها را برای گسترش فرهنگ و حقوق شهروندی در جامعه پیاده نمائیم و در راستای تحقق حقوق شهروندی، تمامی اقدامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را در راستای نهادینه شدن قانون و وظایف شهروندی انجام دهیم. شهروندی نشانگر مجموعه از حقوق و تکالیف بین افراد در جامعه نسبت به هم و نسبت به اداره کنندگان جامعه است. حقوق شهری به طور خاص تنظیم کننده رابطه بین شهروندان و مدیریت شهری است. آگاهی از این حقوق سبب می شود که فرد نظارت بهتری بر مدیریت شهری داشته باشد، بهتر بتواند حقوق خود را مطالبه نماید و وظایفی که طبق قانون در مقابل دیگران و مدیریت شهری دارد را بشناسد و در جهت انجام آنها اقدام نماید. میزان آگاهی از منابع درآمدی شهرداری، میزان آگاهی از روند و ساختار اداری در سازمانها و نهادهای مدیریت شهری، آگاهی از قوانین انتخاباتی مثل انتخابات شورای شهر، آگاهی از ماده صد قانون شهرداری (مربوط به ساخت و سازهای شهری)، آگاهی از قوانین مربوط به عدم اشغال پیاده روها، آگاهی از قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکانهای عمومی، آگاهی از وظایف سازمانها و نهادهای مرتبط با مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر). تحقق و اجرای عادلانه حقوق شهروندی ارتباط نزدیکی با فرهنگ قانون مداری دارد. جامعه ای که از درجه بالاتری از دموکراسی و قانون مداری برخوردار است نسبت به جامعه ای که از فرهنگ استبدادی و قانون گریزی رنج می برد، شرایط بهتری نسبت به تحقق حقوق شهروندی دارد. از آنجا که جامعه ایران جامعه ای در حال گذر است تحقق این حقوق با موانعی روبه رو است. از جمله این موانع عبارتند از:

۱. **موانع قانونی؛** از آنجا که حقوق شهروندی محصول مدرنیته است، وارد کردن این مفهوم در حقوق اساسی ایران یعنی قانون اساسی هم دارای موانع مفهومی بود؛ یعنی شناخت ما از حقوق شهروندی به دلیل تعارض با سایر مفاهیم مدرن کامل نیست و هم در قانون اساسی مفهوم حقوق شهروندی به صورت ناقص و با شرایط ویژه ای مورد توجه فکرا گرفته است. بنابراین یکی از موانع مهم را باید در تعریف و تفسیر قانون اساسی از شهروند و حقوق شهروندی و حقوق بشر دانست. مشروط شدن حقوق شهروندی به عنوان یک پدیده مدرن با دستورات و تکالیف دینی و فقهی که درباره این دستورات اختلاف دیدگاه وجود دارد و بخشی از آنها ریشه در سنتهای دینی دارد، میتوان از جمله موانعی برشمرد که در قانون اساسی برای پیشبرد مفهوم حقوق شهروندی دیده میشود.

۲. **موانع اجرایی؛** مغفول ماندن مسوولیت قوه مجریه در اجرای حقوق شهروندی، نبودن نظارت اجرای موثر بر حقوق شهروندی در دستگاههای اجرایی با وجود اینکه تاکیدات زیادی بر آن می شود مانع عمده ای در تحقق حقوق شهروندی است.

۳. **موانع سیاسی؛** به طور کلی مفاهیم قانون مداری، احزاب، جامعه مدنی و حقوق شهروندی تحت تاثیر مسائل سیاسی قرار می گیرد. در بررسی موانع سیاسی حقوق شهروندی باید به نوع ساختار حکومت توجه نمود. عواملی چون ساختار تک حزبی یا تعدد احزاب یا نوع حکومت مبتنی بر تفکرات فردی یا دموکراسی توجه نمود. از آنجا که تعدد احزاب و قانون احزاب در ایران تحت تاثیر ملحظات سیاسی است تا حقوقی، روند حقوق شهروندی با چالش های سیاسی عمده ای روبه روست. در فضای دموکراتیک حقوق شهروندی بستر مناسب تری برای تحقق دارد تا یک فضای غیردموکراتیک. در ساختار سیاسی حکومتی ایران به نوعی درهم تنیدگی بر میخوریم که ترکیبی از دموکراتیک و غیردموکراتیک می باشد همین درهم تنیدگی خودروند حقوق شهروندی را با پیچیدگی های زیادی همراه نموده است.

پیشنهاد مشخص و اصولی در رابطه با افزایش سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی این است که این اطلاعات و آگاهی ها باید در کتب درسی از دوره های ابتدایی تا متوسطه به تدریج و با رعایت اصول علمی و فنون یادگیری به دانش آموزان که شهروندان آینده کشور هستند، القاء شود به طوری که هر شهروند در سن جوانی که در آستانه ورود به فعالیت در عرصه اجتماع می باشد، آگاهی های لازم در رابطه با حقوق و تکالیف خود به عنوان یک شهروند را کسب کرده و رعایت آن برای او نهادینه شده باشد. در دنیای معاصر رشد و توسعه حقوق بشر اغلب واقعیتها و مفاهیم حیات اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده است. حقوق بشر که با امضاء منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) به تدریج از جنبه های هنجاری و نظارتی پیشرفت قابل توجهی کرده است، رابطه میان حکومت های ملی و اشخاص تحت حاکمیت را سخت تحت تاثیر قرار داده است. تا آنجا که شهروندی نه به عنوان مفهوم و وضعیتی ساخته و پرداخته حاکمیت، و نه به منزله نوعی ارفاق و بخشش یک سویه بلکه به عنوان تجلی حمایت نظام بین المللی حقوق بشر از افراد عضو یک جامعه ملی پدیدار شده است. یعنی هر فرد انسانی حقوق غیر قابل تخلف و سلب ناشدنی (ذاتی - طبیعی) دارد. که باید از سوی دولت و اجتماع شناسایی شود و محترم شمرده شود. در این معنا، حقوق بشر و شهروندی در نظام حقوقی دارای منزلت عینی است؛ لذا از رهگذر اراده قانونگذار و یا حتی در حکومت های دموکراتیک به واسطه اراده اکثریت مردم و جمعیت دارای حاکمیت، نمی توان و نباید آن حقوق را نادیده انگاشت، پس دولتها قادر به ایجاد حقوق بشر و شهروندی از طریق قانون داخلی یا انعقاد بین المللی نیستند، بلکه تنها می توانند وجود حقوق انسانی را تأیید کرده یا تحت حمایت قانونی قرار دهند. هر کس در هر مکان به صرف آنکه موجودی زنده است، قطع نظر از اینکه کجا زاده شده و کجا مقیم است، می تواند از حقوق و آزادیهای بنیادین شهروندی بهره مند گردد (وحدت انواده بشری).

در این فرایند دولت مکلف به حفظ و تأمین حقوق افراد در جامعه شده است. به واقع میتوان گفت حقوق شهروندی از یک سو بر مدنیت انسان و از سوی دیگر بر انسانیت وی تکیه دارد، به تعبیر دیگر حقوق شهروندی همان حقوق بشری افراد است که وجه تسمیه آن از چند منظر قابل توجیه می باشد: الف) تأکید بر تبلور و ظهور عینی این حقوق در اجتماع ؛ ب) ترسیم رابطه میان فرد و دولت؛ ج) وابستگی متقابل حقوق فردی و جمعی به یکدیگر در پایان نیز به برخی از مولفه های اساسی حقوق شهروندی و یا حقوق معماری پرداخته شده که از نتایج توصیفی مبانی نظری تحقیق بوده است.

جدول ۶. مولفه های حقوق شهروندی و معماری از دیدگاه نظریه حق به شهر لفور؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

تعریف عملیاتی	مولفه
این حق معطوف به حق افراد برای استفاده و تولید فضایی، اجتماعی و فرهنگی است و در پی فراهم کردن حق طراحی و زیبایی شناسی عرصه شهری است. در این باره عدهای از تحلیلگران معتقدند که این حق، بیشتر از این که متکی به عرصه صوصی زیست و فعالیت باشد، در پی برآوردن این حق در عرصه همگانی ساکنان شهری در حالت تمام و کمال استفاده از فضای شهری در جریان زندگی هرروزینه افراد است. بر همین اساس، حق بر تخصیص در چارچوب حق بر شهر، متضمن حق بر زندگی، بازی، کار، نمایش عمومی، شخصیت مداری و اشغال فضایی است .	حق تخصیص
این حق معطوف بر مشارکت افراد در تولید فضای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. در نتیجه این حق متشمل بر حق آگاهی از برنامه ها و آن چیزهایی است که قرار است تولید شود یا تولید شده است و حق مشارکت و تولید پروژه ها و آثار عمده و بزرگ نیز هست. پس بر این اساس، ساکنان محیط شهری باید تقریباً در تمامی تصمیمات درباره تولید فضای شهری مشارکت یابند. این تصمیم میتواند زیر چتر توجه حکومت (به طور اص سیاستهای دولتی) یا هر ساختار حقوقی مؤثر بر تولید فضای شهری قرار گیرد.	حق مشارکت
برای لوفور خواست داشتن حق بر شهر همزمان به مثابه خواست داشتن حق مرکزیت نیز هست. این حق در پی تضمین کردن دسترسی به کانون قدرت، مکانهای عمده شهری و مشارکت مؤثر افراد است. در نتیجه در چارچوب این حق به خصوص، می توان از حق استفاده و دسترسی از تمامی فضاهای شهری و حتی مکانهای خاصی که به طور معمول در اختیار قشرهای خاصی است، صحبت کرد. پس به صورت کلی، در حالت ایده آل، حق مرکزیت، بر حق داشتن نقش مهم و بنیادین در تصمیم گیری و در عین حال اشغال فضایی، زندگی و شکل دهی به فضاهای شهری استوار است. بسیاری از تحلیلگران، این حق را به مثابه پادزهری بر تفکیکهای دو قطبی اجتماع شهری از جمله ثروتمند- فقیر و خودی - غیر خودی، عنوان می کنند.	حق مرکزیت

<p>شهر منافع همگانی و علی الخصوص منافع ساکنانش را تجميع میکند. بر همین اساس صلاحیت داشتن حق بر شهر بر همه ساکنان آن مترتب است. بر همین اساس، حق جوامع و افراد نمیتواند حق مهاجران و مسافران را پایمال کند. شهروندی متضمن حقوق، وظایف و عضویت در حوزه های تفکیک شده اجتماع سیاسی است .</p>	<p>حق سکونت</p>
<p>این حق نمایانگر یکی از مهمترین حقوق اجتماعی- زیست محیطی افراد و خانواده ها و همین طور حق زیستگاه بر خانه داشتن است. یکی از دلیل عمده اعتراضات اجتماعی و شهری معاصر در جهان، حق داشتن مسکن مناسب بوده است. این حق شامل حق داشتن امنیت، حق داشتن محیط سالم و تمیز، بهره مندی عادلانه از محیط زیست، آب پاکیزه و زیرساختهای ضروری است .</p>	<p>حق بر زیستگاه</p>
<p>حق در وهله اول معطوف به شخص است و نه معطوف به «مردم» به طور عام و «طبقه». این مسأله بخشی در بنیادین در کشورهای کمتر توسعه یافته در مقایسه با کشورهای غربی یک معضل است. این مفهوم از اجتماعی سازی حق، مشتمل بر حق آزادی و حق تفاوت است که در بسیاری از این جوامع به طور ساختاری رد میشود. ایده اصلی در این رابطه این مفهوم از شهر را بیان می دارد: «شهر مکانی است که در آن تفاوتها زندگی می کنند».</p>	<p>حق بر فردیت بخشی در اجتماعی سازی</p>

جدول ۷. مولفه های حقوق شهروندی در منشور حقوق شهروندی؛ دولت تدبیر و امید، ۱۳۹۵.

#### منشور حقوق شهروندی ایران

حق کرامت و برابری انسانی	حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی
حق مشارکت در تعیین سرنوشت	حق آزادی و امنیت شهروندی
حق آزادی اندیشه و بیان	حق اداره شایسته و حسن تدبیر
حق دسترسی به فضای مجازی	حق دسترسی به اطلاعات
حق تشکل، تجمع و راهپیمایی	حق حریم خصوصی
حق اقتصاد شفاف و رقابتی	حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد
حق مالکیت	حق برخورداری از داد خواهی عادلانه
حق رفاه و تأمین اجتماعی	حق مسکن
حق آموزش و پژوهش	حق اشتغال و کار شایسته
حق تشکیل و برخورداری از خانواده	حق دسترسی و مشارکت فرهنگی
حق صلح، امنیت و اقتدار ملی	حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار

## نمودار ۶. سیاست پژوهی تحقق پذیری حقوق معماری؛ ماخذ: ترسیم نگارنده

### سیاست پژوهی تبیین جایگاه حقوق شهروندی در حقوق معماری



## منابع و مآخذ

۱. آذر داد، لادن (۱۳۸۹) جایگاه شهروندی در مراجع شبه قضایی، چاپ اول، انتشارات جاودانه، تهران.
۲. امیریار احمدی، محمود (۱۳۷۸) به سوی شهرسازی انسانگرا، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۳. پلبو، روبیر، (۱۳۷۰) شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۴. پورعزت، علی اصغر و قلی پور، آرین، حوریه باغستانی (۱۳۸۸) رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمانها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۲۱.
۵. پورطاهری، مهدی، رکن الدین افتخاری، رحمتی مهدی (۱۳۹۱) نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستائیان، مطالعه موردی: دهستان میان کوه غربی، شهرستان پلد ختر، استان لرستان، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی (دانشکده جغرافیا) سال ۱۱، شماره ۴۳.
۶. پورعزت، علی اصغر، باغستانی برزکی، حوریه، نجاتی آجی بیشه، مهران، (۱۳۸۶) الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود، رفاه اجتماعی، ۷(۲۶): ۱۶۰-۱۳۱.
۷. پیر هادی، علی اکبر (۱۳۸۵) حقوق شهروندی، انتشارات سروش ملل، چاپ اول، تهران.
۸. تیبالدز، فرانسیس، (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه: محمد احمدی نژاد، نشر خاک
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۱) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران.
۱۰. خیرالدین، رضا و میلایی (۱۳۹۵) نظام حقوق شهرسازی ایران در پرتو قوانین و مقررات اسلامی (تبیین الگوی برهم کنش حقوق عمومی و خصوصی)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۳.
۱۱. ربانی خوراسگانی، علی و مسعود کیانپور، (۱۳۸۶) مکاتب علمی و دیدگاههای نظری در باب حقوق شهروندی، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، مرکز مطبوعات و انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه.
۱۲. رضایی زاده، م، (۱۳۸۴) محاکم اداری فرانسه و صلاحیت آنها در رسیدگی به دعاوی اداری، مؤسسه معین اداره.
۱۳. رضایی زاده، محمدجواد و کاظمی، داوود (۱۳۹۱) بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره پنجم، صص ۲۳-۴۶.
۱۴. رضایی، میثم (۱۳۹۳) راهنمای آموزشی درآمدی بر شهرشناسی، انتشارات آرنا.
۱۵. رضائی قوام آبادی، محمدحسین، سیمایی صراف (۱۳۹۳) مطالعه تطبیقی محیط زیست در حقوق و فقه اسلامی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره سوم، شماره اول.
۱۶. روحی، زهره (۱۳۹۲) حق به شهر، انسان شناسی و فرهنگ.
۱۷. ساعی ارسى، ایرج (۱۳۹۱) آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی)، چاپ چهارم، ویرایش اول، تهران: نشر بهمن برنا.
۱۸. سپیانی، عبدالرضا، سعادت مند، زهره و کریمی، فریبا، (۱۳۹۱) شیوههای آشناسازی دانش آموزان دوره متوسطه فریدونشهر با حقوق شهروندی، مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۱۵.
۱۹. سیاری، علیرضا و عباس، کوچ نژاد (۱۳۸۶) آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی.
۲۰. شجیعی، زهرا (۱۳۷۲) نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۱، نشر سخن، تهران.
۲۱. شکری، نادر (۱۳۸۶) مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی». شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن
۲۲. شبانی، ملیحه (۱۳۸۱) تحلیل جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مقاله ارائه شده در مجله انجمن جامعه شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۳
۲۳. شبانی، ملیحه (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتری جامعه شناسی، تهران، دانشگاه علمه طباطبائی
۲۴. شبانی، ملیحه و دادوندی، طاهره (۱۳۸۹) تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی شماره ۵.
۲۵. شبانی، ملیحه (۱۳۸۶) فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۱.
۲۶. صادقی، م، (۱۳۸۴) اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، نشر میزان.

۲۷. صالحی راد، م، (۱۳۸۲)، تأملی در باب مستدل بودن احکام دادگاه ها، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۳.
۲۸. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۵) نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: شهر تهران، مجله محیط شناسی، سال ۲۳، شماره ۴۴، صص ۵۱-۱۳.
۲۹. طباطبائی موتمنی، م، (۱۳۸۷) حقوق اداری تطبیقی، انتشارات سمت.
۳۰. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۴) حقوق اساسی، انتشارات میزان، چاپ سوم، تهران.
۳۱. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۸) آزادی عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۲. فالکس، کیث (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
۳۳. فتحی، سروش و مختارپور، مهدی (۱۳۸۸) توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴، صص ۱۰۷-۸۹.
۳۴. فتحی و اجارگاه، کوروش و واحدچوکده، سکینه (۱۳۸۸) آموزش شهروندی در مدارس، تهران: نشر آیین.
۳۵. کاتوزیان، ن، (۱۳۸۳) مبانی حقوق عمومی، نشر میزان.
۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱) تضاد دولت و ملت، مترجم: علیرضا طیب، نشر نی، تهران.
۳۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶) اخلاق و حقوق. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال دوم. شماره ۱ و ۲: ۸۸-۸۵.
۳۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷) مقدمه علم حقوق، انتشارات سهامی انتشار، تهران.
۳۹. کاستلز، دیویدسون آ (۱۳۸۲) مهاجرت و شهروندی، (ترجمه تقی لو)، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۴۰. کامیار، غلمرضا، (۱۳۷۹) حقوق شهری و شهرسازی، چاپ سوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۴۱. کامیار، غلمرضا، (۱۳۸۲) حقوق شهروندی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران.
۴۲. لطفی، حیدر و همکاران (۱۳۸۸) مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم. شماره اول، زمستان.
۴۳. لوفور، آنری، (۱۳۹۱) تولید فضا. ترجمه: محمود عبدالزاده، علی میرآ ورلی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی شهرداری تهران، شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۰-۰۱-۶.
۴۴. مؤتمنی طباطبائی، منوچهر (۱۳۸۵) حقوق اداری، جلد دوازدهم، انتشارات سمت، تهران.
۴۵. ماری، گای (۱۳۸۸) شهروند در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول.
۴۶. مدنی، ج، (۱۳۶۹) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.
۴۷. مشهدی، ع، (۱۳۹۱) اصول و معیارهای کنترل قضایی اداری در حقوق سوئیس، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲.
۴۸. مشهدی، علی (۱۳۹۴) از عمومی شدن حقوق خصوصی تا خصوصی شدن حقوق عمومی: مشروعیت و قلمرو مداخله دولت در اندیشه هابرماس، فصلنامه حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره دوم، صص ۱۸۱-۱۹۳.
۴۹. منصور نژاد، محمد (۱۳۸۶) نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان، مجله حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
۵۰. موسوی، سید یعقوب، (۱۳۸۰) تحول حقوق شهروندی به سوی تأمین انتظام شهری، فصلنامه دانش انتظامی، سال سوم، شماره ۴.
۵۱. موسی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰) بررسی حقوق انسان از دو دیدگاه غرب و اسلام (رابطه حق و تکلیف در اندیشه حقوقی اسلام). نشریه حکومت اسلامی. سال ۱۶. شماره ۴. پیاپی ۶۲: ۳۳-۵۰.
۵۲. نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۰) جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، مدیریت شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداریها. شماره پنجم
۵۳. نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۱)، واقعیت شهروندی در ایران، رساله دکتری جامعه شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
۵۴. نصر، حسین (۱۳۸۵) شهرسازی و حقوق شهروندی، شهرداری ها، سال ششم. شماره ۷۵.
۵۵. نصر- الف. سید حسین. (۱۳۸۵) اسلام، مذهب. تاریخ و تمدن. ترجمه: عباس گیلوری. تهران: انتشارات دبیرش، انتشارات روزبهان.



۵۷. Purcell, M. (2002). Excavating Lefebvre: Right To the City and Its Urban Politics of the Inhabitant. *GeoJournal*.
۵۸. Purcell, Mark. (2002). "Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant", *GeoJournal*, 58: 99-108.
۵۹. Fenster, T. (2005). Identity Issues and Local Governance: Women's Everyday Life in the City, Social Adentities.
۶۰. Harvey, D. (2008). The Right to the City. *New Left Review*.
۶۱. Kofman, E. (1996). *Writing on Cities*. Oxford: Blackwell Puplicher.
۶۲. Lefebver, H. (1991). The Production of Space, translated by David Nicholson, Smith. Oxford: Blackwell, Oxford and Cambridge.
۶۳. Lefebver, H. (1996). The Urban Revolution translated by Robert Bononno. New York: University of Minnesota Press.
۶۴. Lefebver, H. (2009). *State, Space, World Selected Essays*. U.S: University of Minnesota Press.
۶۵. Marshall, T. H. (1981) *The Right to Welfare and Other Essays*. London: Heinemann.
۶۶. Marshall, T.H, 1973: *Class, Citizenship and Social Development*, Westport: Greenwood Press.
۶۷. Merrifield, A. (2006). *Henri Lefebvr A Critical Introduction*. Routledge.
۶۸. Soja, E. (1996). *Thirdspace Journeysto Los Angeles and other Real and Imagination*. Blackwell.
۶۹. "The right to the city" revisited: Assessing urban rights e the case of Arab Cities in Israel, Yosef Jabareen
۷۰. European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City
۷۱. Harvey, the Right to the City, *NLR* 53, September-October 2008
۷۲. Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant, Mark Purcell, The Habitat Agenda, UN, 1996
۷۳. Government Policy on Architecture 2009 – 2015-IRELAND
۷۴. Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.
۷۵. Architecture and sustainability: Declaration and policy of the Architects council of Europe
۷۶. Handbook of Human Rights Edited by Thomas Cushman
۷۷. Graeme Bristol, MAIBC, MRAIC Centre for Architecture & Human Rights
۷۸. Bringigng Human Rughts to Architectural Education, By Graeme Bristol Lecturer, King Mongkut's University of Technology Thonburi, Bangkok
۷۹. Street homelessness and the architecture of citizenship, Martin Whiteford, Bournemouth
۸۰. A citizens guide to protecting historic places: local preservation ordinances, State of Louisiana,
۸۱. The Finnish architectural policy, the government's architectural policy programme, 17 December, ۱۹۹۸
۸۲. European charter for the safeguarding of Human Rights in the city, Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.
۸۳. The interrelationships between building regulations and architects' practices Rob Imrie, Department of Geography, King's College London
۸۴. Towards a better understanding of building regulation Jeroen van der Heijden, Jitske de Jong Delft University of Technology
۸۵. Urban Policies and the Right to the City, Public Debate, 18 March 2005, UN.
۸۶. Interaction of Architecture and Society: City Individuality under changeable informal Effect Conditions, Jonas, Interaction of Architecture and Society, 44th Isocarp Congress 2008
۸۷. The Citizen Architect, Graeme Bristol, MAIBC, MRAIC Centre for Architecture & Human Rights